





د، با ه قطعیت احکام متمماً، قتلای؛ نجیب دای

پرونده قتلها همچنان باز است

به موجب اطلاعیه روابط عمومی سازمان قضایی نیروهای مسلح  
احکام صادره برای ۱۱ تن از متهمنان قتلهای زنجیره‌ای توسط دیوان  
عالی کشور قطعیت یافتند. مکومیت متهمنان ردیف اول و دوم این  
پرونده، به عنوان آمرن حمله کننده، هر یک به ۴ بار جنس ابد و ۹ تن دیگر، به  
عنوان مبادرت و معاونت در قتلها، بین دو سال و نیم تا ده سال جنس،  
مورد تایید دیوان عالی قرار گرفته است. پرونده ۴ تن از متهمنان هنوز  
باقی است.

با قطعی شدن این احکام و «آمران» قتلها، ظاهرا پرونده قتلهای  
زنجره‌ای بسته می‌شود. این در حالی است که خانواده‌های قربانیان این  
قتلها، زنده بادان فروزگاه، مختاری و پوینده، پس از تجزیه بی‌عدالتی  
حاکم بر کل پرونده و مواجهه با کارکشکی‌های دستگاه قضایی از سویی  
و تساهی دولت و مجلس از سوی دیگر اخیراً برای دادخواهی به  
کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل روی آوردند؛ وکیل با وجود این  
خانواده‌ها، آقای ناصر زرافشان، درست به اتهام افسای اسرار این  
پرونده به ۵ سال جنس محکوم شده و اکنون در زندان است؛ و آمران  
ادعایی دستگاه قضایی در اعتراضاتشان از مقامات راس حکومت و  
مشخصاً از رفسنگانی، فلاجیان و نجف‌آبادی نشانی داده بوده‌اند.

ممکن است پرونده قتلهای زنجیره‌ای در حلقة حقیر دستگاه قضایی  
بسته شده باشد، اما این پرونده هنوز و تا اشکارشدن حقایق آن، در  
پنهان جامعه می‌باشد.

هیات سیاسی - اجرایی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) به  
جزیران پرونده معتبرض است، بار دیگر حمایت خود را از دادخواست  
خانواده‌های قربانیان قتلهای زنجیره‌ای از کمیسیون حقوق بشر سازمان  
ملل برای رسیدگی به پرونده اعلام می‌دارد و به سه‌هم خود تمام  
دادخواهان را به حمایت از این دادخواست دعوت می‌کند.

هیات سیاسی - اجرایی سازمان فداییان خلق ایران (اکثربوت)

اعلامیه هیات سیاسی - اجرانی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)  
۵. با خاتمه بازداشت خانگی آقای منتظری

شکست حصر

دیروز دوره پنجماله بازداشت خانگی آقای مقتدری، که بدنیال انتقاد او را خامه‌ای برایش وضع شده بود، خاتمه یافت. در همان نسختین روز خاتمه بازداشت گروههایی از مردم و تعدادی از روحانیون، از جمله طاهری، کدبور، موسوی اردبیلی و صانعی، با او دیدار کردند. آقای مقتدری در مصاحبه‌ای که در همان ساعت اولیه آزادی اش انجام داد، شایعات در این باره را که آزادی اش بدنیال توافقات و درخواست او یا فرزندانش صورت گرفته است تکذیب و بر ضرورت لغو نظرارت استصواتی شورای نگهبان تاکید کرد. او همچنین روش کوتولی آقای خاتمی برای پیشبرد اصلاحات را موجب یافس مردم دانست و از لزوم تغییر آن سخن گفت.

آقای مقتدری، جدا از مقامات بعنوان یک رهبر مذهبی، بلحاظ

استواری در مخالفت با خینی بایت کشتار زندانیان سیاسی در سال ۶۷ و نیز در مخالفت باشی با فقهای حاکم، خاصه خامنه‌ای، مورد احترام مردم ایران است. مخالفت او با کشتار زندانیان سیاسی به قیمت از دستدادن جانشینی بالاترین مقام در حکومت اسلامی شد و ۵ سال بعد خانگی نیز پهابی بود که او بایت انتقاد از خامنه‌ای پرداخت. خاطرات او، که در همان دوره حبس خانگی بر سایت اینترنتی اش انتشار یافته، یگانه منبع از زبان کسی وابسته به حاکمیت وقت و پس از آن است، که در آن از جنایت عظیمی که نسبت به زندانیان سیاسی صورت گرفته سخن گفته شده است.

هیات سیاسی - اجرایی سازمان فدایان خلق ایران (اکثریت) آزادی آقای منتظری را به او، خانواده و دوستاندارانش تبریک می‌گوید و امیدوار است هم‌صدایی آقای منتظری با خانواده‌ای زندانیان سیاسی قتل عام شده و دیگر نبیروها، که برای شکستن حصر سکوت حکومتیان در باره این جنایت ننگ بار می‌کوشند، طنبیں گسترده‌تری یابد.

هیات سیاسی - اجرایی سازمان فدایان خلق ایران (اکثریت)

آیت‌الله خیینی به اعتراضاتی که از طرف مساجع حقوق بشر صورت می‌گرفت، این بود: «اعدام‌هایی که در اسلام است اعدام رحمت است». چنین است که در حکومت اسلامی به جلاد حرفاء نیازی نیست. هر پادار و هر نگهبان ساده‌ای می‌تواند امروز در جوخد اعدام باشد یعنی عذاب وجودانی، و فرداد در پستی دیگر. ۱۵ - گزارشات سالانه سازمان عفو بین‌الملل

Ervand Abrahamian, - ۱۶ tortured confessions, New York, 1999, S.129.

۱۷ - آمارها در این مورد متفاوت است. یکی از بازماندگان این پاجعه، رقم اعدام شیگان تاستان ۷۴ است: ۵۰۰۰.

این سال اعدام شدند.

۱۸ - پروانه علیزاده، خوب نگاه کنید راستکی است، پاریس چاپ اول ۱۳۶۶.

تا ۶۰۰۰ حبس می‌زند. (چشم انداز ۱۴، زمستان ۱۹۹۵) سازمان مجاهدین از ۱۲۰۰۰ اعدام شده در این سال خبر می‌دهد، و گزارش عفو بین‌الملل تعداد اعدام شدگان را ۲۵۰۰ نفر تخمین می‌زند. جدیدترین و دقیق‌ترین آمار سربوط به «انجمن دفاع از زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران، پاریس» است که بستازگی اسامی و مشخصات قتل عام شدگان سال ۶۷ در زندان‌های جمهوری اسلامی را ثبت کرده است. بر اساس آمار آنها ۴۴۸۴ نفر در این سال اعدام شدند.

نگاه کنید علیزاده، خوب

فاطمی در برفی اظهار نظرهای...

ادامه از صفحه اول

به هر دلیلی مورد نکوهش قرار می‌گیرد».  
خاتمی اما نگفت آیا در مورد نیز همین قضایت را دارد؟  
خاتمی آنگاه به فاز سخرازی خود رسید و گفت «امام راحل همواره با هرگونه حرکت مبتنی بر سلاح، زور و خودخواهی مخالفت می‌کرد و آن را خطناک می‌دانست». مدافعان جمهوری اسلامی تاکنون صفات بسیاری به آیت الله خمینی نسبت داده‌اند، اما نجسیت‌ترین و غیرواقعی ترین صفتی که می‌توان به آیت الله خمینی نسبت داد همین مخالفت او با سلاح و زور و خودخواهی است.

گویا آن همه فرمان پیگر و بیند و پکش، دستور آن همه اعدام و کشتار، آن فرمان‌های معروف شکستن قلمها و بستن دهان‌ها، آن ستایش‌های مشهور از جنگ و تداوم آن و فتح قدس از طريق کربلا و فرامین صدور تروریسم و انقلاب و دستور سرکوب خشونت‌بار هر دگراندیش و ذگرباش در جمهوری اسلامی توسعه آیت الله خمینی رهبر توسعه آیت الله خمینی رهبر

«در این موقع بود که گفتند  
چشم بند هاتان را پایین پکشید و  
فقط به روپروری خود نگاه کنید.  
صحنده ای فجع ناگهان در برابر  
چشم دهها زندانی پدیدار شد.  
یک لحظه بهت و سپس جیغ و  
ناله و ضجه. آنچه را بده چشم  
می دیدیم نمی توانستیم باور  
کنیم. بیشتر به کابوسی  
می مانست تا ساعتی.  
جوانی در انتهای طنابی که از  
درخت بلندی او بیخته بود، تاب  
می خورد. دستهای جوان تا آرنج  
باشدیچی شده بود. و پاهاش تا  
زانو از ضربات وحشیانه کایل  
دریده بود. بدی حسمت ۲۰ ساله  
می نمود ... در کار جسد، مردمی  
در لباس پاسدارها بالای میزی  
رفته و چوبی به دست گرفته بود  
... با چوب جسد را می چرخاند و  
بلامنزع و به قول خاتمی  
«سلسله جنبان انقلاب اسلامی»  
صورت نپذیرفت و توسط  
حکومت برپاشده توسط او به  
اجرا دریامد. و گویا این اتفاقات  
و رویدادها یا در دوران حیات  
آیت الله خمینی و حاکمیت نظام  
جمهوری اسلامی روی نداده  
است و یا دست هایی پنهان و  
ناهرنی در کار بودند.

با تاکید و خلاف اظهارات  
آقای خاتمی با یاد گفت خشت اول  
و ملاط شکل دهنده جمهوری  
اسلامی از همان آغاز و توسط  
رهبر و بنیان گذارش بر پایه و  
بنیاد سرکوب و سلاح و زور و  
خشونت قرار گرفت و بالا رفت.  
خشونت در ذات اینستگونه  
حکومت های توپایر و  
ایدولوژیک است.

با صدای شنید و پی تأویت  
تکرار می کرد: خوب نگاه کنید  
راستکی است» (۱۸).

در سال ۶۰ اعدام ها پشت  
دیوار ساخته بندنه صورت  
می گرفت. شیوه صدای رگبار  
ساخته ان را به لزه در می آورد  
بعد صدای تک تیرها که با صدای  
شیعارهای پاسداران در هم  
می امیخت. تو ایها را وادار  
می کردند که در مراسم اعدام  
حضور یابند و در کارهای  
مربوط به آن شرکت کنند.  
چرا مقامات زندان به  
اقدام هایی متولی می شدند که  
می توانست نفرت زندانیها را  
برانگیزد؟ آیا این با سیاست های  
«ارشد»، که بنا داشت برای  
آنها نیز تأثیر داشت؟

بی مناسب نیست در اینجا و  
بعنوان شاهد مثال بخشی از کتاب  
مستقرشده «روانشناسی  
شکنجه» نوشته خانم متیره  
برادران را باهم بخواهیم تا  
یاد اوری باشد از ابعاد کشtar و  
سرکوبی که هنوز به تاریخ  
نیویسته و فراموش نشده است و  
بادا که هیچگاه فراموش نشود:

موج اعدامها از خردداد ۱۳۶۰  
ابعاد تازه ای را سخون گرفت. پر  
اساس آماری از روزنامه های آن  
دوره، در فالصله خردداد تا اینان  
سال (یعنی طی پنج ماه) ۲۶۵۴  
نفر اعدام شدند. این آمار البته  
نام کسانی را که زیر شکنجه  
کشته شده اند یا حاضر به دادن  
اسم خود نبودند، در بر نمی گردند.

رسانیها «حقایقیت» اسلام و حکومت اسلامی را پیاوراند، در تناقض نبود؟ به هیچ وجه. ارشاد جز بارعاب و زدودن هرگونه حس شهدرتی و ایجاد بی تفاوتی در قبال دیگر زندانیانی امکان پذیر نبود. کسی که مجبور است شاهد کشثار سانی باشد که در موقعیت او قرار داشته، گوئی شاهد به مسلحانه کشیدن خود است، و این با چنان دردی همراه است که اغلب شخص را یارای هضم آن نیست. پس ناخواهانگه می‌کوشند سرنوشت خود را از آنها جدا نمایند. همین که او زنده است آیا به این معنا نیست که باید مدیون مقامات زندان باشد؟  
وادرسانخن زندانیان به دید یا شنیدن اعدام دیگران همچنین ریشه در یک نگرش مذهبی دارد که بر اساس آن اعدام رحتم الهي تلقی می شود برای اهل لایه امداد و نجات داده اند.

پس از این ۶۰ دیگر، اسماعیل تبریاران شدگان را در روزنامه‌ها چاپ نمی کردند مگر بندر و آن هم اسمی رهبران شناخته شده را. تعداد اعدام شدگان در سال ۱۹۸۳ به ۵۰۰۰ نفر و در سال ۱۹۸۵ به ۱۲۵۰۰ نفر رسید. (۱۵) بر اساس تخمین نیروهای مختلف جمهوری اسلامی ایران، که موفق شده‌اند بخشی از اسماعیل اعدام شدگان را ثبت کنند، تعداد پیمار بیش از اینها بوده است.  
شاید مقایسه‌ای با تعداد اعدام شدگان پیش از انقلاب چهار روشنتری از ارقام و آمار بدست آید.  
در فاصله بین ۱۳۴۸- ۱۳۵۷ تعداد اعدام‌های سیاسی در ایران کمتر از ۱۰۰ نفر بوده است. (۱۶)  
در حالی که در هر بار اعدام دسته‌جمعی، که در سالهای ۶۰ و ۶۱ دوبار در هفته‌های سوت چهار گفتار کرد،

#### احکام متهمان قتل‌های زنجیره‌ای صادر شد

دامه از صفحه اول

روشنیت کتبی داده نشده. رضا  
روشن که قاتل همسر من و آقای  
مختاری است، عنوان شده که در  
حکم تجدید نظر می شود، فکر  
می کنم زمینه چنین هست برای  
اینکه اگر در حکم آقای رضا  
روشن تنخیفی داده شود و  
می خواهد که هیچ عکس العملی  
نشان داده نشود از جانب جامعه و  
بار این مستولیت را بر دوش  
خانوادها پیدا نمایند و لی هدف ما  
روشن شدن امران این جنایتها،  
فتواهندگان این جنایتها بوده و  
حالا اینکه اینها امده اند و به آنها  
حکمهایی داده اند و بعد به هر  
کدام از انها تخفیف داده اند. این  
سناریویی است که من اعلام  
می کنم که نمی خواهم در این  
سناریو نقشی داشته باشم.  
با توجه به اینکه فقط نیمی از  
پرونده به دادگاه نظامی ارجاع  
شده، محاکمه بغير علی بدون  
حضور قربانیان و وکلای آنها  
انجام گرفت، رسانه های گروهی  
از درج اخبار مربوط به این  
پرونده من شده بودند و دو تن از  
وکلای مدعيان خصوصی محکوم  
شدند و در زندان هستند، تایید  
این حکم توسط دیوان عالی  
کشور امری قضی و حتمی به نظر  
می رسید. لذا خانوادهای ۴ تن  
از قربانیان قتلهای زنجیرهای  
خانواده های فروهر مختاری و  
پوینده طی ارانه دادخواستی به  
کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل  
خواهان پیگیری این پرونده از  
طريق این نهاد حقوق بشری  
شدند. عبدالکریم لاهیجی  
حقوق دان و ریس انجمن دفاع از  
حقوق بشر در ایران در مصالجه  
با رادیو فرانسه گفت که اینها در  
انشای رای هم مرتکب جعل  
معنوی شده اند زیرا که شاکیان  
خصوصی هرگز گذشت نکرده  
بلکه اساس محاکمه را قبول  
پایین کشیدن فتیله ها بود.

صلح و دمکراسی خواست مردم منطقه است

کشور به سراسر عراق، منع نقل و انتقالات نیروهای نظامی رژیم عراق و شیوه‌های مشابه خسروی است. بیماران شهرهای عراق توسط هوابیمهای آمریکایی، اجتناب پذیر است و اگر دولت آمریکا واقعاً آنگونه که حرج پوش مدعی است خصوصیت با مردم عراق ندارد، باید بدین گفته مردم صلحدوست جهان که مردم عراق نباید بیش از این توان سیاستکاریهای سدام حسین را پردازاند، گوش فردا دهد. صلح و آزادی، خواست مردم منطقه است. اینک بese جایی رسیده‌ایم که هر یک از این دو، بدون دیگری بی معنی و نامعکن است.

تمهیدات در عرصه دفاع از حقوق انسانی این مردم در مقابل تعریض‌های یک حکومت خوبنیز را در برداشته باشد. مردم کشورهایی مانند ایران و عراق، شایستگی حکومتهای پهلوی از رژیم‌هایی که بر آنان حکم می‌رانند را دارند. این وظیفه جامعه جهانی است که این گونه مسلتها را در تلاش برای رهاسدن از بند رژیم‌هایی که حقوق و آزادی‌های مردم خود را لگدمال می‌کنند باری دهند. حمایت بین‌المللی از جهادهای متعدد و مستشکل از نیروهای اپوزیسیون عراق، هم ممکن و هم لازم است. در راستای این حمایت، اقداماتی مانند گسترش منع پرواز هواپیماهای نظامی عراق از شمال و جنوب این

بازرسی نامه‌ها  
وبسته‌های خارج

ساموران اداره پست تمامی  
مامه ها و بسته های ارسالی از  
خارج کشور را بررسی و  
زررسی کرده و کتاب های منتشر  
در خارج از کشور را توقيف  
کنند. احمد پور نجاتی رئیس  
بیرون فرهنگی مجلس شورای  
الامم نیز در گفتگو با روزنامه  
ایران این خبر را تایید کرد و  
را قابل رفع دانست. این عمل  
اره پست پس از مردم کاملاً  
شن بوده ولی او لین بار است  
که در روزنامه ها انعکاس  
کی یابد. البته در این خبر  
شخص نشده که این اقدام توسط  
دام ارگان امنیتی و اطلاعاتی  
ازمانده می شود. و چه کسی  
آنرا

رضایت نداده اند. پس از مدت کوتاهی حسین زرندی رضایت ولیا دم را محدود می کند به رضایت خانواده فروهرها، پرستو فروهر در مصاجبه‌ای با رادیو فرانسه اعلام می کنده: «مسئله رضایت به هیچ وجه مطرح نبود و این خلط مبهم است که دستگاه قضایی باز دوباره بر سر این پرونده بوجود می اورد. ما اعلام کردیم به پیروی از آرمان و آندیشه‌های پیدر و مادرمان که تقاضای مجازات اعدام برای هیچکس نداریم، بدليل اینکه منی خواستیم دوباره در مقابل عمل انجام شده قرار بگیریم دو نفری را که معلوم نبود حتی چه کسانی باشند، پشتند و پکویند به داخلی فروهرها مانند کار را انجام دادیم. به هر حال ما بدليل مخالفت‌تان با مجازات اعدام، اعلام کردیم که تقاضای شخصاً نداریم و این به هیچ وجه به معنای گذشت نیست. حالا این حکم مسخره‌شان را دوباره با گفتن اینکه اولیا دم با این قضیه اینطور برخورد کنند توجیه می کنند».

سیما صاحبی همسر محمد جعفر پوینده طی مصاجبه‌ای با رادیو فرانسه: «به هر حال هر روز اتفاق جدیدی در رابطه با این پرونده می‌افتد و از اینکه خانواده‌ها بصورت پراکنده در جایی هستند فکر می‌کنم که یک سوءاستفاده‌هایی از این قضیه می‌خواهد بشود من صراحتاً می‌گویم که ما هیچگونه رضایت کنی در رابطه با بخشایش یا هر گونه حکم محکومان قتل‌های زنجیری‌ای تا کون نداده‌ایم. این راز جانب خانواده خود بگویم و تا آنجاییکه اطلاع دارم از جانب خانواده اختاری هم هیچگونه

امداد از صفحه ۲  
قیمت میلیاردها دلار، فروش هواپیماهای فاقد ایمنی پرواز و پایمالک دن حقوق ایران در دریای خزر، به سود مردم ایران است؟ آیا فروش چهار هزار استگاه اتوومبیل بینز سواری به شیوه انتظامی چشمگیر اسلامی که هر روز مردم ایران را سرکوب می‌کند، در خدمت منافع مردم ایران است؟  
نیواده‌ای صلح‌دوست و آزادیخواه یا بد انتقاد برحق خود از نقشه‌های جنگی ایالات مستعده را با ارائه پیشنهادها و طرح خواستهای همراه کنند که هم حفظ صلح و جلوگیری از قربانی شدن مردم بیگانه عراق، و هم عملکردن جامعه بین‌الملل به

بِرْ و هشگران

چشم به حوزه علمیه دوخته‌اند



## نامه سرگشاده مهندس عزت الله سحابی به سران سه قوه

شود پس از آن، در موقع (تفهیم اتهام) می توانیم با وکیل حضور به هم رسانم. عمدۀ اتهام ایشان غیر از مشارکت در اتهامات ملی نظرسنجی و آینده، از حضور سیاسی و اعلام نظرات و دیدگاههای خودم در باره مسائل جاری کشور و حتی حضور در حسینیه ارشاد و دو جلسه پرسش و پاسخ در شبهای احیاء ماه مبارک رمضان (۱۹ و ۲۳ رمضان) یا جوانان و دانشجویان پیرامون دین، مذهبگریزی جوانان و رادهای چاره آن، آقایان به شدت اظهار ناراحتی و اعلام اتهام می نمودند و بطور کلی هرگونه حضور در صحنه اجتماعی را بر اینجانب ممنوع مگر تحت نظارت و کنترل خودشان اعلام می کردند.

این برخوردها و پنهان کاری ها بر بنده این حقیقت را روشن نمود که آقایان سرخو و بدون موافقت دادگاه انقلاب شعبه ۲۶ یا هر شعبه رسمی دیگر و قاضی تحقیق دیگر، اقدام به احضار بنده نسوداند (در حالی که من کوچکترین تماس یا آشنازی با این دو موسسه نداشتم) تا مگر از خلال بازجویی های غیرقانونی از بنده چیزی علیه متهمان پرونده ملی نظرسنجی و آینده در آوروند و آنها را به اطلاع آنها برسانند و بدین ترتیب، خصوصت و دشمنی بین آنها و واستگان به جبهه دوم خرداد، از یک سوی و اینجانب از سوی دیگر ایجاد و به آن دامن بزنند، اهدافی که با وظیفه قانونی و قضائی انتظام ندارد و با هر اصل اخلاقی و مذهبی نیز مغایرت دارد. به این جهت قصد عدم حضور در جلسه آیندهای که اعلام کرده بودند نمود و برای اطلاع سه ایشان در همان روز سه شنبه سورخه ۱۰/۲۴، ۸۱ در حوالي ساعت مقرر، به مجتمع مبوب تلفن کرده و خواستار ارتباط به اطاق ۳۴ شدم تا به خود آقایان اطلاع دهم، ولی با کمال تعجب، خانم تلفچی به من چنین پاسخ دادند که ما اطاق ۳۴ نداریم و شما می بایست یا شماره شعبه دادگاه یا فترت معنی را بگویید تا بتوانیم ارتباط برقرار کنیم. بدین ترتیب بر من روشن شد که پنهان کاری آقایان حتی نسبت به مجتمع شهید محلاتی و مسئولین و مقامات آن نیز جاری شده

اکنون، اینجانب چاره‌ای قانونی ندارم جز  
اینکه به شما آقایان محترم که مسئولین اصلی و  
تصمیم‌گیری نسبت به همه امور کشور و دولت  
می‌باشد مراجعته و شکایت بیاورم، که با خاطر  
مسئولیت‌های قانونی و شرعی خودتان، دستور  
فرمایید که از این فشارها و تعقیب‌های  
غیرقانونی پنهانه را رها ساند. به موجب آیه  
مبارکه (رب السجن احبابی مسا بدعنتی...)  
پنهانه آماده رفتن به زندان به هر کجا و هر مدت  
می‌باشم ولیکن چون قطع دارم، که در زندان هم  
آقایان دست از رس من برخواهند داشت طالب  
مرگ و اعدام می‌باشم. بنابراین خواهشم این  
است که اگر مرافقی مضر به حال کشور و ملت  
و اسلام و انقلاب می‌دانید، با اعدام من خود و  
کشور را از شر پنهانه رها کنید. بالاخره دنیا نی  
دیگر و حسابرسی دیگری در پیش است و ما  
هستیگی در مقابل و در حضور پروردگار عظیم  
باید پاسخگوی نهانی باشیم و اگر چنین نیست،  
اقدامی موثر در استخلاص این شهر و ند مملکت  
بفرمایید.

زمان در هنگام ظهور با آلات و ادوات چنگی پیش فته به چنگ مشرکان نمی رود بلکه با عسان سلاح های عهد خود کفای و خلافکاران را تنبیه خواهد کرد.

از استاد امام زمان شناسی سوال شده آیا مسکن است در حال حاضر امام زمان گفتار سیل و زلزله شود یا بد علت سرماخوردگی مريض شود و اگر بگويند اين طور نست پس اين دعاهای که برای سلامت امام زمان توصیه شده به چه درجه می خورد.

او پاسخ داده باید بدایم که قطعاً خداوند آقا را حفظ می کند تا بتواند به مدحش برسد و ما چه ایشان را دعا بکینیم یا تکیم جان او محفوظ است. دعا برای حضرت (اعج) فایده ای ندارد.

سؤال دیگر از آیت الله کورانی این است که آیا درست است که امام زمان را خانم در ایران بد شیادت خواهد رساند؟

من هم در لیبان و نجف شنیدم یک خانم ایرانی امام زمان را شهید خواهد کرد.

سؤال دیگر از متخصص امام زمان این است که گوگری اگر کسی چیل شیاند روز دعای امام زمان را بخواهد در زمان ظهور حضرت زنده می شود. بله همیظور است.

ایپود، اقاییری که در شرایط حصر بسیار شدید و انجمنی اخذ شده بودند در هنگام بازجویی های ۱۲ ماهه و ۲۰۰۰ صفحه ای بنده از روی اعدام را داشتم. ولذا به بازجویان گشتم هر چه می خواهید بنویسید و من هم می نویسم و امضاء می کنم تا مگر با اعدام از شرایط بازجویی بی نظری در تاریخ پنجاه ساله اخیر رها شوم. به هر حال پس از ختم دادرسی، با ویشه ۲۰۰ میلیون تومانی که خود بسیار بی نظری و بی سابقه بود آزاد شدم و اکنون در انتظار حدود رای دادگاه می باشم، و معنای حقوقی و قضائی این ویشه سنگین و آن آزادی این است که فعلا در زندان و تحت تحقیق و بازجویی نمی باشم و بمناسبت: (ما... منهذ ها) تا

پروپوزیشن و موستان من (سی - سنتی) دادگاه تجدیدنظر بسته است و از فشارها و رفتارهای ناهنجار، حداقل برای مدتی رهای داریم.

ولی علیرغم این سوابق و حقایق حقوقی، از تاریخ آزادی از زندان (۱۱/۱۲/۸۰)، همان تیم بازجویی با مراجعات مکرر به محل کار من یا احضار من به مکانهای مختلف، غیر از دادگاه شعبه ۲۶ تلاش کردند که همچنان فعالیت فکری - اجتماعی و مذهبی و سیاسی و حتی خانوادگی مرآ تحت کنترل قرار دهدن و با شگردهای خاص و تهدیدات و تطییع مرآ تحت همان شرایط روحی و عصبی که در زندان انفرادی پانزده ماهه به آن چار بودم، درگیر سازند به همین دلیل در اوآخر آبانماه ۱۳۸۱، طی نامه‌ای خطاب به رئیس محترم شعبه ۲۶ دادگاه انتقال، از ایشان خواستم که از اداسه روندیهای مزبور جلوگیری و پرونده اتهامی سابق (ملی - مذهبی) را، فعلاً بسته نگه دارند و البته اگر جرم مشهود قانونی جدیدی غیر از موارد اتهامی و مذکور در پرونده مزبور، از من یا دوستان من سر برزند، دادگاوه و قوه قضائیه می‌توانند تحت ضوابط قانونی ما احضار یا مورد تحقیق قرار دهند، نه اشخاص بدون سمت علیه و مسئولیت قانونی، پس از تقدیم این نامه، دو ماهی، به احتمال آتفایان: مذکو، قطعه گردید.

ولی، اخیراً برگ احشاریهای از مجتمع  
فضای شهید محلاتی که نه دادگاه امور سیاسی،  
با مطبوعاتی یا مسائل امنیتی است به منزل  
ینچهاب رسید که در آن، نه نام و شماره شعبه یا  
دادگاهی ذکر شده بود و نه موضوع احضار  
امتهم، شاکی یا شاهد پرای چه پروندهای فقط  
از من خواسته شده بود که به مجتمع مزبور،  
طبق ۳۴ مراجعه نمایم. با وجود آنکه احشاریه  
نمذکور، پس از مشورت با مشاوران حقوقی، از  
هر چهت مشکوک به نظر می‌رسید، ولی معلمک  
برای اطلاع از موضوع احضاریه به آن مجتمع  
بر مراجعه کردم و متناسبانه مشاهده کردم که همان  
تیم بازجویی زندان سالانهای ۷۴ و ۸۰ با  
نهادهای و پنهانکاری‌های حیله‌آمیز به این  
ترتیب خواسته‌اند که مرای به دام اندازند. به هر  
حال مواجه با همان شکردها و طلب‌کاریهای  
گذشته و ایجاد اشتعاب و فشارهای عصی و  
وحی و تهدید به تشکیل پرونده جدید قضائی  
برحسب اقراریه آقایان عبدی و گرانپایه، علیه  
من و با ادعای اینکه پای من هم در پرونده  
موسسه آینده و موسسه ملی نظرسنجی در میان  
شست، از من خواستند که تا چند هفته، هفتادی  
یک روز معین، شخصاً بدون ضرور وکیل، در  
میان معلمین محل حاضر شوم تا تحقیقات مزبور انجام

آیت الله کورانی استاد رشته امام زمان شناسی هوزه علمیه قم:

امام زمان را یک زن ایرانی شهید خواهد کرد

کارهای او شیء کارهای حضرت خضر است. سوال  
یگر از آیت‌الله کرانی این است که چگونه می‌شود  
سر طولانی امام زمان را قبول کرد چون قرار است وی  
رچهل سالگی ظهور کند؟

توضیح داده: که الان مسئله عمر و زن حل شده  
است. امروز به وسیله زن راهیان طولانی شدن عمر و  
سیمه‌های را که می‌تواند وضع انسان و جوانی انسان  
با حفظ گنه برسی می‌کند از نظر علمی این مساله  
مسکن و قابل تحقیق است. خداوند این معجزه را در  
بورد حضرت (عج) انجام داد به علاوه خداوند به  
جال که دشن اوست عمر طولانی داد. پس چگونه  
است طول عمر برای دشمن خدا باشد ولی برای  
لی الله بایشد.

امام زمان یارانی دارد که وزرای او هستند. آن‌ها  
۱۱۱ نفرند و از کبار اوصیاً‌الله هستند. یاران امام زمان  
عدا حکام جهان خواهند شد. وی تاکید کرده که امام

بسمه تعالیٰ  
حضور روسای محترم سه قوه  
جنابان آقایان کروی، خاتمی و هاشمی  
شاہزادی  
سلام علیکم:  
استحضار دارید که اینجانب، طی سالهای  
آخر، بارها به پیوشهای مختلف و بر اساس  
پیروندهای تشکیل شده در محاکم مختلف  
قضائی، بازداشت، بازجویی، حبس و پس از  
چندی آزاد شده‌ام.  
آخرین بار در اذرماه سال ۱۳۷۹ بازداشت و  
پس از یک هفته اقامت در زندان عمومی اوین  
به زندان انفرادی زیرزمین اوین، در بنده که  
عطف، آدمکشان، همان وسان خطاکرد.

محضوں ایام سے روانی پسیور حسن ب شرابیط  
 منتقل شدم و پس از سه هفته اقامت در شرابیط  
 سیار سخت و خشن آنجا به بازداشتگاه شماره  
 ۵۹ که خود آفایان بازجویان آن را تاریکخانہ  
 شباح می نامیدند منتقال یافتتم. در تمام این  
 مدت، به جز یک هفتہ اول زندان عسومی، تحت  
 بازجوئی های مستمر که به کرات از بعد از ظهر  
 تنا صبح روز بعد ادامه می رفاقت، قرار گرفتم. با  
 قاطعیت تمام عرض می کنم که این بازداشت و  
 رفتارهایی که با من شد نسبت به دفعات قبلی  
 بازداشت من حادثه جدید و غیرقابل تصویری  
 بود. من در قبل از انقلاب از سال ۱۳۳۳ تا سال  
 ۱۳۵۰ پنج بار به اتهاماتی سیار سنگین تر از  
 اتهام بازجوئی های سال ۷۹ بازداشت و تحت  
 بازجوئی و تحقیق قرار گرفتم و بعد از انقلاب  
 نیز یکبار توسط وزارت اطلاعات در سال ۶۹ و  
 چند بار در دادگاه مطبوعات شعب ۱۴۰۸ و  
 ۱۴۱۰ و نیز شعبه ۳ دادگاه انقلاب بخاطر شرکت  
 در کنفرانس برلین تحت تعقیب و بازجوئی و  
 تحقیق و اعلام اتهام قرار گرفتم، اما آنچه در این  
 مرتبه بر من گذشت از نظر کیفیت رفتار، و  
 اتهامات غیرقابل تصویر و اهانت ها و شکردهای  
 و اوان گردانه هرگز با آن دفعات قابل قیاس نبود.  
 تجیه این شد که فقط در این مدت، دو بار  
 چار بھرمان قلبی و شوکهای عصبی شدم که کار  
 می کنم... می کشم... کشیدم... می اغصایم:

کلکی کارکرد و حالت طبیعی خود را از دست داد، بطوریکه پس از آزادی تاکنون که نزدیک به یکسال است تحت درمان عصبی و بسیاری فسردگی هست، بالاخره در آدگاه شعبد ۲۶ به محاکمه کشیده شدم و با کفرخواستی مواجه گردیدم که در آن طی ۱۱ فقره اتهام بینان و اساس و فاقد هرگونه مستند قانونی رخواست اشد مجازات هم شده بود، اتهامات اساسی که مجموع حداقل مجازات آنها ۱۲ سال و حداکثر آنها نیز اعدام بود. من از بایت حکمات و مبارزاتی که در طی ۲۵ سال حکومت کودتاواری ۲۸ مرداد کرده و ۱۲ سال زندانی که کشیده‌های از احمد انتظام پاداش و حتى قدردانی ندارم و از بایت فعالیت‌های بعد از انقلاب نیز منتظر تغیری ندارم ولی نوشته‌های بندۀ شاهد صادقی است براینکه تا این تاریخ جز از سر لسوزی و احساس مسئولیت دینی و وطني رای اصلاح و اقتدار واقعی و بقاء کشور نبوده است، ادعای محکومیت و مجازات بین ۱۲ سال ر اعدام برای فردی چون اینجانب هرگز با موازین عدل و انصاف انتطبق ندارد. ولی با این حال پس از ۹ جلسه مدافعت و پاسخ‌دادن به اغلبی اتهامات و نیز اشاره به کیفیت تحقیقات که مستند کفرخواست که تنها بر اقارب و متمم متکی

آقای ابطحی، شما متاسفانه  
از فرودستان فرهنگی بوده‌اید

در این نقطه جغرافیایی زندگی می‌کنند  
آن دارد که اگر با کسی ازدواج کرد  
تجدید نظر و فتح تضمیم خود و حسنه  
داشتند باشد و تا آخر او را تحمل می‌کنند  
مسافت و حق نگهداری فرزندان را  
داشته باشد. ولی زنی که در نقش  
جغرافیایی است این امور از حقوق می‌باشد  
و در ثانی هر کشور از قشرهای معینی  
شده که بخصوص در کشور ماست

برنرنگی نامگی وجود داشته و دارد. مطلع رشد کشور را سلطخ رشد میانگی دانست. با کمال تاسف باید گفت که آقای خسما و یاران شما که بعد از انقلاب مدهاید. از نظر فرهنگی از فرودستان کشور بوده اید، انقلاب آنگونه که در تاریخی گویند نه باعث برآمد فروودستان املاک برآمد فروودستان فرهنگی بوده اند. ننسا حتی تحصیل زنان از تابوهای بوده اند که کنون کشور را نه با کشورهای همسایه فکرها قبیل خود می سنجیدند و حق داده اند. رضیعت زنان در کشور را دستاورده باید، زنان را به آنچه که به آن معتقد کردند، می بسیار از تفکرات شمانیز جلوتر از تعلیر غم تلاش هایتان که با تمام قدرت که خود می پسندید، وادرید، موقتی زنان در واقعیت جامعه نقشی فراز نداشتند. شما دارند، و شما با موافع قانونی، با مشتت های عقب مانده و با زور سرتاسر حول زنان می شوید. زیرا که نتیجه استساب با وضعیت، از نظر فرهنگی نمی شوید. البته اشکال از شما نیست اشکار از اینجا جستجو کرد که کماکان، نه فرمودند. جامعه که فروودستان فرهنگی در کشور را در دست دارند.

درخواست جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران

## ز افراد و کانونهای صنفی، اجتماعی و فرهنگی

و سازمانهای سیاسی و نشکنیات حقوق بشری

به راستی افعالیت‌های حقوق بشری - در زمینه ملزم نسودن حاکمان جمهوری اسلامی در احترام به حقوق بشر و جانب مسافتمندی‌ها، تواریخ دادها و مسیهاتی‌های (کنوانسیون) سازمان ملل متعدد را نگویداشتن، نایاندگانی از لندن، پاریس و بروکل در او آخر ماه فوریه و اوایل ماه مارس رسید ایران سفر خواهد کرد تا به بررسی وضع حقوق بشر در جمهوری اسلامی بپردازند و گزارشات خود را بده کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل ارائه نایاندگانی. (در ۲۲ آوریل سال ۲۰۰۲ قطعنامه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متعدد اولین بار بعد از ۲۲ سال رد شد).

جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران، از همه افراد، کانتهای اصطنعی، اجتماعی، فرهنگی و سازمانهای سایر، تشکیلات حقوق‌گذشتی در خواست می‌نماید

تاق قبل از شر این هیات بد ایران با آنها مستقیماً تأسی  
بگیرند و اسناد و مدارک و گزارشات مستند خود را -  
در رابطه با نقض حقوق بشر در ایران - در اختیارشان  
پذکارند.

اگر مدارک و گزارشات مستند به فارسی است، این  
اسناد چهت ترجیمه می‌تواند در اختیار جامعه دفاع از  
حقوق بشر در ایران قرار گیرد، تا جامعه آنها را مستقیماً  
به کسیوون حقوق بشر سازمان ملل بپارد.

بدینهی است آن چه می‌تواند - در کنار سایر مسائل  
- به روشن پرسی این هیات کشک باشد:

- ۱ - نام و نام خانوادگی زندانیان سیاسی است.
- ۲ - تاریخ دستگیری، محل نگاهداری زندانی،  
تحویل پروندهای زندانیان و بازجویان با زندانی - در  
صورت امکان عکس دستگیرشدگان.
- ۳ - واسطگی سازمانی، گواش نکری و یا دلایل  
دستگیری زندانی.
- ۴ - آدرس محل بازداشتگاه که ارگانهای امنیتی و  
گروههای فشار بعنوان زندان از آنجا استفاده می‌کنند.
- ۵ - تاریخ شروع دادگاه و نوع دادگاه و مدت  
محکومیت زندانی و
- ۶ - در صورت شکنجه برای گرفتن اقرار از متهم  
در زمان بازجویی و یا در زندان (نوع شکنجه).

جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران، امیدوار است -



## فراخوان برای شرکت در مباحثه

بر این ارزیابی که روندهای سیاسی کشور ما به سمت تحولات تعیین‌کننده پیش می‌روند و با افزایش تاثیر عامل بین‌المللی، وقوع دگرگونی عینیت پیشتری خواهد یافت، تقریباً همه تحلیل‌گران سیاسی اتفاق نظر دارند. بر همین اساس پرسش‌ها و بحث‌ها پیرامون موضوعات و مقولاتی چون؛ هسکاری، اتحاد، ائتلاف، جبهه، آلتنتیو سیاسی و... بوزید در میان نیروهای ابوزیسیون فراگیر شده است. در همین رابطه و با توجه به اهمیت و ضرورت هدفمند و همگراشدن بحث‌ها و نظرها، نشانه‌گذاری برآئست که مواضع گوناگون صاحب‌نظران و تحلیل‌گران ابوزیسیون را بازتاب دهد. در همین راستا از همه خوشنده‌گان خود و علاقمندان به شرکت در این مباحثه بیز دعوت می‌کنیم که با پاسخ به پرسش‌های زیر به غنای بحث‌ها باری رسانند. بدليل محدودیت جا خواهشمندیم پاسخ‌های خود را به حد اکثر ۱۴۰۰ کلمه (۵/۲ ستون نشانه‌گذار) محدود نمائید. درج پاسخ‌های دریافتی راما از شماره ایندیه، آغاز خواهیم کرد.

- ۱ - تعریف شما از مقولات مختلف طرح شده در این زمینه: همکاری، اتحاد، ائتلاف، جیشه، چیست و در شرایط کنونی کدام را در چه چارچوبی ضروری می‌دانید؟
  - ۲ - شکل مورد نظر شما برای تامین اتحاد نیروهای اپوزیسیون در ایران مشخصاً چه نیروهایی را در بور می‌گیرد؟
  - ۳ - نظر شما در مورد جبهه نیروهای جمهوری خواه دمکرات و یا جبهه نیروهای آزادیخواه (بطور خلاصه جبهه جمهوری یا جبهه آزادی) چیست؟
  - ۴ - در مورد مشروطه خواهان اسلامی (نیروهایی که حفظ و اصلاح نظام جمهوری اسلامی را خواهانند) چه نظری دارید؟ آیا در اتحاد موردنظر شما می‌گنجد؟
  - ۵ - در مورد مشروطه خواهان سلطنتی در ارتباط با پرسش‌های پیش‌گفته چه می‌اندیشید؟
  - ۶ - چه معانی؟ معیارها و وجوده مشرکی را، شما برای اتحاد نیروهای اپوزیسیون پیشنهاد می‌کنید؟

رسیده است که نه آخوند و آخوند ماب که با تمام وجود جاگلی خود در مال و قدرت دنیائی غریق است نماینده و متولی دین است و نه دین امر و حاکم در امر عوامی و سیاست اداره جامعه است که این امری درونی است که با میزان درک و استباط افراد نسبت به شناخت معترضی شان و با میزان رشد و بلوغ شرایط فرهنگی و تحول عمومی اقتصاد و اجتماعی جامعه مستکی دارد.

ممکن است بگویند ورود در سیاست خود چنان ورود در حکومت است؛ آری چنین است، اما حکومت اتفاق درسته و سربته نیست؛ زیرا قوانین حکومت با تحوال شرایط اجتماعی و گسترش نیازهای اقتصادی تغییر می‌کند حال آنکه احکام دینی احکام تغییر نپذیر است؛ قوانین حکومت به رای و اراده انسانی تحول می‌یابد و دوام و پیوی هر قانونی به میزان هماهنگی و انتلاقی آن با نیازها و دیدگاههای متحول جامعه مستکی دارد؛ حال آنکه احکام دینی به عقیده طرفداران دین از سوی خدا و ماورای خواست و عقل و ادراک بشري و دور از دسترس نفوذ زمان و مکان است؛ از سکون به حرکت؛ زندگی است و از حرکت بد سکون مرگ است. در قانون دموکراسی؛ ورود در قدرت و حکومت دلیل بر اقامت دائم در مسند حکومت نیست؛ حال آنکه بر عکس حکومت ملک مفروض هیچ فرد گردد و سازمان و حزبی نیست؛ حکومت از آن مردم و امر عمومی و در حوزه مسئولیت وظیفه هر فرد بالغ عضو جامعه فارغ از تفاوت جنسی و نژادی و قومی و مذهبی و مسلکی است.

حکومت به صورت اتفاق درسته و سربته، حکومت استبداد و خودکامه فردی یا گروهی است که خود خیال خروج و ترک از آن را ندارند و هیچ کس یا گروهی را نیز غیر از خود؛ در آن نمی‌پذیرند؛ و در حقیقت این گونه حکومت انحصاری و غیرقابل ورود و درسته به روی مردم چه در لباس سلطنت که موهبت الهی باشد و چه در تشریف مذهب که خدا و پیامبر را نمایندگی کند تکیه گاهی گزبور و اعمال دائمی خشونت ندارد. اما دیرگاهی است که درهای این اتفاق درسته در ساحت عقلاتی پسر به یوی صاحبان حقیقی آن گشوده شده است؛ اری سیاست جدا از ورود به حکومت است؛ اما این تنها حکومت نیست که قالب و مضمون آن از حیطه زور زورگویان و خودکامگان به عرصه حق افراد جامعه تحول یافته است؛ بلکه سیاست نیز از حیاط خلوت زورمندان به پنهان زندگی تمامی جامعه منتقل شده است.

این سیاست عرصه برخورد عقاید و افکار و چالش دائمی و بدون خشونت سنت و تجدد است؛ اختلاف و تنوع و کشمکش اندیشهها و سلیقهها و کنکاش سازنده در منابع و ذخایر فرهنگ سنتی جامعه بومی و جهانی مایه حیات و شکوفائی و سرخوشی و زندگی این سیاست است؛ این سیاست با هرگونه سکون و جمود و تقدس و حرمت روحانیت بازاردارنده چولان اندیشه انسانی در خردترین ذره تا بزرگترین پدیده هستی و طبیعت سر ناسازگاری و مبارزه دارد. آری ورود از این دروازه به ساحت حکومت جانی برای اقامت دائمی خودکامگان باقی نمی‌گذارد، دنیای دیگران و هستی دیگران را نمی‌توان به نام دین خود مصادره کرد. الگوی ولایت فقیه و حکومت دینی؛ آن گونه که در رژیم جمهوری اسلامی به ثبوت رسیده الگوی شکست خورده است مخصوصاً آنکه از روز نخست «این الگوی ضد تاریخی» از مضمون مذهبی ادعایی به جز خشونت و توحش و جزفداد و غارت جان و هستی ملک و ملت نشانی از خود باقی نگذارد است.

قضایت انحصاری و تبلیغ انحصاری بود و این آن چیزی است که از آغاز تاسیس جمهوری اسلامی هدف اصلی آخوندگان را تشکیل می‌داد و طبعاً حرکت انتراپسی سردم پس از تسلط آخوندگان در جهت لغو و طرد همین انحصار و سلطه مطلقه بر نظام فرهنگی و معرفتی و دادگستری و سایل ارتباطی کشور در غرب اتفاق می‌شود می‌گیرد؛ این واقعه در کشور می‌گذرد؟ اگر طرفداران دین می‌گویند که اسلام برای همه مسائل زندگی جامعه راه حل های ایدی دارد، قاعده دموکراسی و اصل شورای اسلام مردم مدیریت جامعه بر پایه انتخاب و رای آزاد مردم نهاده شده است. و اگر طبق این قاعده و اصولی که بر پایه آن در اعلامیه جهانی حقوق بشر تثییت و تاکید شده شهر وندان از حق آزادی و جدان و عقیده و حق آزادی یان عقاید خود پوخاره دارد و بنا بر این طبق همین حق؛ تجمع و تشكل سیاسی و اجتماعی و صنفی و هرگونه اجتماعی که با اصول قانونی موضوعه جامعه شهانگ است از حقوق قانونی آنهاست. و اگر هر شهروندی از شرایط قانونی حق انتخاب کردن و انتخاب شدن و شرکت در نهادهای قانونی و تصمیمگیری امور کشور برخوردار است. و اگر اولین و اخیرین معيار و میزان برای انتخاب شدن و شرکت در اداره امور کشور در نهادهای انتخابی و قوای حاکم بر کشور اعم از ریاست جمهوری و رئاستی رای قانونگذاری و مجالس شهری و روستایی رای اکثرب است و اگر در قانون و قاعده دموکراسی هیچ مقامی تحت هر عنوان اعلم از مروژی یا انتخابی یا انتخابی مافق قانون و یامقاوم دارای اختیارات مطلقه و یا مقام مادرانه نیست، و اگر در قانون و قاعده دموکراسی هر فردی از افراد جامعه فارغ از هرگونه قید مذهبی و نژادی و قومی و جنسی و مسلکی؛ حق شرکت در سیاست دارد، بنا بر این طرفداران دین حق دارند برای تحقیق بخشیدن به راه حل هایی که در دین خود برای مسائل گوناگون جامعه قائل هستند از مبارزی قانونگذاری و از راه قانونی کردن آنها به شرط تصویب و با رای اعضای نهادهای انتخابی فعالیت کنند.

قاعده اساسی دموکراسی در شرکت همگان در امور جامعه ای که سرنوشت همگان در آن پیوند خود را داشته است خلاصه می‌شود؛ در این مشارکت هیچ امیازی به عنوان امتیاز مذهبی یا مسلکی یا نژادی و جنسی و قومی برای افراد و یا گروهها وجود ندارد. و هیچ انسان ازدهد و آگاهی بر اراده و به طبی خاطر لقاده متابعت و فرمانبرداری از دیگران را به گردن خود نمی‌گیرد و خویشتن خویش را ز سهمی که حق مشروع اوست به نفع دیگری محروم نمی‌نماید. و سرانجام در قاعده و قانون دموکراسی راه برای ورود دین گرایان و اهل میر و محراب و مسجد و کنیسه و هر معبد دیگری در هر لباس و در هر جنس به میدان سیاست یعنی شرکت در اداره امور جامع از مبارزی قانونی باز است، اما در قاعده و قانون دموکراسی راه ورود به سیاست برای قضه کردن حکومت و قدرت و تقدیس بخشیدن و حقانیت دادن به آن به نام مذهب و مسلک و نژاد و قوم و جنس ممنوع است.

اما جامعه ما در ذهنیت خود به این نتیجه رسیده است که در محدوده هستی دنیائی او هیچ پدیده مقدس و هیچ مقام قدوسی که از حریم اندیشه نقاد و شک پذیر انسانی خارج باشد وجود ندارد. و پس از بیست و چهار سال تحمل یکسی از عقبمانده ترین و بسی ریشه دارین نظام های تحمیلی تاریخ پسری به این نتیجه

## سیاست: آری - حکومت: نہ

علی اصغر حاج سید جوادی

هزاریم جمهوری اسلامی اگویی شکست خورده و ضد تاریخی است که مضمونی جز خشونت و توهش و فساد و غارت در بر ندارد

زمانی که هیچکس آرزو نداشت  
سر و کارش با محمدی گیلانی بیافتد

حمید فرخنده

چنین دادگاهی طبیعتاً نه برای انتقامگیری که برای کنشکش چرازی و جلوگیری از تکرار چنین فجایعی در ایران ما و ادای احترام به خانواده قربانیان و گرامی داشت یاد آنان است.

آری امروز شاش آقاجری از دست مصباح یزدی‌ها، جنتی‌ها و قاضی دادگاهش به آقای گیلانی پیش از برد اما در سالهای او لیه دهه شصت آنها که گذارشان به اوین افتاده است و جان یا نیمه جان خود را سالم از آنجا بدر برداشتند، گذشته از یاداوری اعدامهای شبانه یا بعض روزانه و شمارش تعداد تیرهای خلاص، اثاثهای ملول از زندانی و یا ساعتها انتظار در راهراهی دادگاه با چشمان بسته برای بازجویی با تکمای نان و پنیر و چاشنی فریادهای ضجه و التاسی، بیاد می‌ورنند. وحشت زندانیان از محاکمه‌شدن در شعبه یک دادگاه اوین را، چرا که آقای گیلانی ضمن داشتن سمت حاکم شرع دادگاه انقلاب اسلامی سرکر، خود شخصاً ریاست شعبه یک این دادگاه را نیز بر عهده داشت. در آن ماههای بعد از ۳۰ خرداد شصت که گاهی اوقات دستگیر شدگان را در فاصله کمتر از ۲۴ ساعت محاکمه و اعدام می‌کردند، در اوین گفته می‌شد که آقای گیلانی حکم اعدام پسر خودش را صادر کرده است. مصادبه‌های او که در کمال ازامش و با طلبانه در جلو دورین دستی بر محاسن خود می‌کشید و از حکم اعدام محارب و مفسدی اراضی می‌گفت، در فواید اجتماعی اجرای حکم قصاص صحبت می‌کرد و یا بعد از بحث شیرین از چگونگی اثبات ارتاد و لزوم اعدام مرتد سخن می‌راند را برای زندانیان پخش می‌کرددند و مویر تن زندانی سیخ می‌شد. بخصوص اگر رسیدگی به پروندهای به شعبه یک دادگاه انقلاب اسلامی مرکز سپرده شده بود. کابوس روپروردشدن با آقای محمدی گیلانی خواب را از چشم زندانی می‌ریود. بخصوص از آنجا که شای بود که اگر چشم محاکمه‌شونده به چشم آقای گیلانی بیافتد، حکم‌ش حتماً اعدام خواهد بود. چرا که می‌گفتند اگر زندانی سر بلند کند و چشمش به چشم ایشان یافتد آقای گیلانی این را به علامت گستاخی زندانی می‌گذارد و به او حکم اعدام می‌دهد. تمام سعی زندانی بر این بود که حال که رو در روشدن با او گریز نایزیر است از چشمان او پرهیز کند. باشد که آقای محمد محمدی گیلانی که در فردای برقراری حکومت قانون در ایران کمیته‌ای حقیقت‌یاب تشکیل شود تا پرونده کسانی که در این میاهاکاری‌ها دست داشتند و تاریخ شب‌های سیاه و خونین اوین را آفریندند در دادگاههای که بر اساس موائز حقوق پسر تشکیل می‌شود را مورد بررسی قرار دهد. و

اخیراً هاشم آقاجری نامهای خطاب به محمد محمدی گیلانی رئیس دیوان عالی کشور فرستاده و ضمن توضیح اینکه چرا در مورد حکم صادره علیه خودش تقاضای فرمان نکرده است از آقای محمدی گیلانی رئیس دیوان عالی کشور که ظاهراً فرد مستقل است و به هیچ یک از جناحهای سیاسی کشور واپس‌گردی و خواسته است که او پرونده‌اش را رسیدگی و اتهامات سنگینی که به او نسبت داده شده است را مرور بازیزینی قرار دهد.

اینکه شاص آقاجری محمدی گیلانی را بعنوان شخص و نه ریاست دیوان عالی کشور وسطه بین خود و نظام کرده است، گذشته از ملاحظات سیاسی آقاجری و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، می‌تواند حکایت از حداقل تغیر و تعديل در مواضع و دیدگاههای آقای محمدی گیلانی نسبت به زمانی که ایشان حاکم شرع دادگاه انقلاب اسلامی مرکز بود، باشد.

این نامه مرایاد زمانی انداخت که آقای گیلانی بعنوان قاضی القضاط دادگاه انقلاب اسلامی تهران یکی از اضلاع مثبت شکجه و اعدام در زندان اوین را تشکیل می‌داد که دو ضلع دیگر از آقای اسدالله لاجوردی دادستان انقلاب اسلامی مرکز و رئیس زندان اوین و آقای سید حسین موسوی تبریزی دادستان کل انقلاب در سالهای دهه ثبت بودند. از این سه نفر که هسته اصلی مأشین اعدامهای تاریخی در ایران دهه ثبت بودند، اسدالله لاجوردی توسط مجاهدین ترور شد، آقای محمدی گیلانی علیرغم تصدی ریاست دیوان عالی کشور علاوه بر حاشیه رانده شده و یا خود از جمله به دلیل بیماری به حاشیه صحنه سیاسی کشور رفته است و بالآخر آقای موسوی تبریزی از شخصاً نه خواستار ترور و یا صدور حکم اعدام برای کسانی هست که هزاران جوان و نوجوان ایرانی را در میادین اعدام اوین و صدها زندان و بازداشتگاه مخفی و علنی در گوشه و کنار کشور به جوخدهای اعدام سپرده و نه بر این نظرم که می‌باشد گذشته افراد را چماقی کرد برای مخالفت و جلوگیری یا تخطیه مواضع سیاسی ازدیخواهان و مردم‌سالارانه امروز آنها. اما مانند میلیونها ایرانی امیدوارم که در فردای برقراری حکومت قانون در ایران کمیته‌ای حقیقت‌یاب تشکیل شود تا پرونده کسانی که در این میاهاکاری‌ها دست داشتند و تاریخ شب‌های سیاه و خونین اوین را آفریندند در دادگاههای که بر اساس موائز حقوق پسر تشکیل می‌شود را مورد بررسی قرار دهد. و

نمونه درخشنده از برگزاری سیماری علمی با عنوان «جستجوی اینکه چنین در سال ۷۴ تعدادی از داشتجویان همین داشگاه که در سیماری از معاملات های فرهنگی داشتگاه حضور فعالی داشتند شریده « نقطه سرخط » را اراده‌دازی کردن که تا بهار ۷۵ شاره از آن متشت شد. این نشریه دارای بخش‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، ادبی و هنری بود (دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی فرهنگی و اجتماعی وزرات علوم، مطالعات کاربردی یک - ص ۹۷۸ - ۹۷۵) دفتر مزبور با اراده‌دازی و گسترش کتابخانه داشتجویی، اتاق شریعت و روزنامه‌ها و بحث‌های رو در روی سیاسی بد روشن و آگاهی‌های سیاسی و جستجوی اینکه چنین درخشنده از برگزاری سیماری نمود.

مورد دیگر شکل‌گیری «جامعه مستقل داشتجویی» در داشگاه پلی‌تکنیک در سال ۷۵ بود. این تشکیل تاکید می‌نمود که از لحیه جناح های حکومی مستقل است. «همشانگردی » نشریه‌ای بود که مواضع آن‌ها را در روش می‌ساخت. از جمله اقدامات آن‌ها می‌توان به تشکیل جلسات بحث و گفتگوی «گروههای اشاره داشت. در دبی و هنری و «گروههای اشاره داشتند. در رنامه‌های گروههای اشاره داشتند. در داشتجویان شرکت داشتند با خواهند سودهای عمدتاً سیاسی و علاقتی سیاسی آن‌ها منجر می‌شد. آن‌ها تریبون‌های آزاد، مراسم سخنرانی سیاسی و مراسم زرگردانی ازدی بروی داشتند و در نشریات خود این نامه تشکیل های داشتجویی و انقلاب فرهنگی را نهند تقدیمندند. (رجوع شود به نشریات همشانگردی رکان این تشکیل) این تشکیل پس از وقایع ۱۸ تیر ۷۸ پس از بازگشایی داشگاه‌ها در مهر ۱۳۷۸ هم پایه شد.

در کنار این دو مورد خاص در نیمه نخست دهه ۷۰ شاخص داشت شکل‌گیری گروههای مطالعاتی در میان داشتجویان هستیم. گروههای مستعد جمعی مستقل که منجر به ارتقای آگاهی‌های سیاسی و فرهنگی اشنجویان می‌گردید اجرا می‌شد. با دعوت از اسخیران مختلط نظری دکتر سروش و افراد نزدیک به همراهی از ارادی و چجه ملی، فضای برای تغیر فراهم شد. اما قدران تشکیل مستقل سیاسی در داشگاه‌ها اعانت گردید که این جنس‌های اسلامی داشنجویان کانونی را برای مخالفت با حکومت مطلقه گردید که تبلیغ آن در ای دوم خرداد ۷۶ بود.

اما پیش از آن که به بررسی دوم خرداد بپردازیم باید به گسترش آموزش عالی غیردولتی و غیرانتفاعی این اتفاق از داشتجویان آزاد اسلامی از برپاری مخالفت با حکومت مطلقه گردید که تبلیغ آن در

کشکش میان طبقات و گروههای اجتماعی گردد.  
محرومیت‌های عینی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در  
نوعی اندتوالوژی مستبلر شود و ایدتوالوژی فوق  
گروههای ناراضی را تحرک پخشیده و سازمان ددد و  
از سوی دیگر شرایط ساختی باید به تضعیف کترول  
اجتماعی توسط حاکمه منجر شود.  
مجموعه عوامل فوق از سال ۷۵ به بعد موجب  
بسیج متابع سادی و سمبولیک گردیده و موجب  
پیدایش دوم خرد و فرایندهای پس از آن گردد.  
اصلاحات اقتصادی رفمندی که باعث شد ارزش  
بیول ملی پیش از ۱۰۰ برابر کاهش باید ناراضیت‌ها و  
محرومیت‌های شدید اقتصادی بوجود آورد. اصلاحات  
اقتصادی او به هیچ روشی با توسعه سیاسی و پارشدن  
فضای سیاسی و فرهنگی جامعه توامان نشد بنابراین  
محرومیت‌های شدید سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نیز  
در جامعه گشرش بافت. سرکوب تمامی رژیم‌های  
سیاسی برانداز و اتفاقی در داخل و فروپاشی اردوگاه  
شوروری در عرصه مهانی باعث شد هیچ گونه آثار ناتیوی  
نقطایی در جامعه به وجود نیابد. تیجه آن شد که نوعی  
ایندتوالوژی اصلاح طلبان هم در درون جناحی از  
باشیانی می‌گردند سبب بسیج و سازماندهی  
نوده‌های و سیع مردم به نفع خانواده گردید. بی‌گمان  
جنش دانشجویی اعم از اینجمن‌های اسلامی و  
دانشجویان منفرد نقش برجسته و حیاتی در این بسیج  
مردمی داشتند. آن‌ها با پیغام و ترویج شبانه‌روزی در  
میان توده‌های مردم آن‌ها برانگیختند تا را رای دادن  
به خانواده یک قدم به سمت آزادی و دموکراسی  
بردارند. نتایج پس از انتخابات باعث شکاف بیشتر  
دو جناح حاکمت و لذاتضیع فر چه بیشتر کترول  
سیاسی و اجتماعی گردیده و این به توبیخ خود  
جنش‌های اجتماعی بدلویه جنبش دانشجویی را  
نکوقاتر ساخت.

نغيرات اجتماعی و شکل‌گیری گروه‌های نوین دانشجویی

دایره‌گردان

کنکورات‌ها به رهبری رفسنجانی و محافظه کاران به همراه ناطق نوری افزایش یافت. محافظه کاران که می‌بدند اصلاحات رفسنجانی نه تنها جان اصولگرها از صحت حذف می‌کند بلکه

انجمن‌های اسلامی دانشجویی  
ایت‌الله خمینی نفع می‌گیرند از ولایت مطلقه رهبری  
با عنوان امام خامنه‌ای دفاع می‌کنند. آن‌ها معتقد بودند  
هر گروه یا فردی که از ولایت مطلقه رهبری دفاع نکند  
انجمن‌های اسلامی دانشجویی که پس از درگذشت  
نافع بازار و آنرا نیز به خطر می‌اندازد (به طور مثال طرح  
ایجاد فروشگاه‌های تختی‌برهه‌ای و رشد صنایع داخلی)  
ولت هاشمی رفسنجانی را تحت فشار قرار دادند. در  
شهریور ۱۳۷۱ نیز آیت‌الله خامنه‌ای مبارزه با تهاجم  
رهنگی غرب را اعلام کرد. هاشمی رفسنجانی چنان

و اور مراجع اعظم نشناسد پاید مورود تاخت و تاز قرار گیرید (ویژہ نامہ بیان دانشجوی سیسیجی، ۲۳ استند ۱۳۷۳ ص ۳) آنها عنوان «سیاسی کاری» را در برابر «کار سیاسی» در دانشگاه را اختراع کردند تا اندک دانشجویانی که اطاعت تمام و تمام از مدیریت جدید وزارت علوم نداشتند، تا حد ممکن تضییف شوند. اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویی از نظر که شویه وی است. در برابر محافظه کاران کوتاه آمد. محافظه کاران با نافی و تقبیح مدبیریت علمی، بر مدیریت فقیهی به عنوان مشخصه اصلی نظام اسلامی ایجاد می‌کردند و طرفداران مدیریت علمی را بد روزشستیزی در عرصه مدیریت کشور بد ویژه در انشکاه مهمن می‌کردند رفیضجانی ناچار شد سیاسی ز استاید معتبر را که بسته‌های بالای مدبیریت در

لیبرال‌ها به واسطه مغایر دین خواندن حرکت‌های خشن، نفی اساتید آلوه و بی‌دین، ساکت‌نشستن بسیاران در برابر لیبرال‌ها و فساد تهدید به اقدام مستضطی توسط شکل‌های اسلامی در برای رتروپیج کنندگان ابتدا، پشتیبانی از اخراج یک رئیس داشتکدید به واسطه بی‌اعتنایی به شوونات ولی فقیه، دفاع از رفتار غیرقانونی گروه‌هایی که برای تحقق اهداف ارزش‌های دینی اقدام می‌کنند آغاز می‌کند. اتحادیه فوق ملی سال‌های ۷۲-۶۸ از مدافعان سیاست‌های هاشمی رفسنجانی بود اما در سال ۷۳ و در شماره ۲۰ نشریه پایام دانشجو از هاشمی انشکاه‌ها دست یافت بودند، بد سرعت عزل و حتی خی از آن‌ها را زاده تدریس در دانشگاه نیز محروم و اخراج نماید. بدین ترتیب، قشر عظیمی از اشجویان علاقمند به فضای باز علمی در دانشگاه‌ها که امید می‌رفت به صفوهادران رفستجانی بیرونند مخالفان وی تبدیل شدند.

محافظه‌کاران و تکنولوگرات‌ها کوشیدند تا شکل‌هایی را در داشتگاه‌ها به وجود آورند که در مقابل «تحکیم وحدت» ایستاده و از ممانع آن‌ها صمیمت نمایند. نتیجه آن شد که جامعه اسلامی اشجویان، انجمن اسلامی داشتگاهی و سرچ

۱۰

در اوایل دهه ۱۳۷۰ مابا چهار جریان دانشجویی به امکان فعالیت رسمی در چارچوب ظرفیت سیاسی نظام را داراند موافقین؛

- ۱- انجمن‌های اسلامی دانشجویان؛
- ۲- انجمن‌های اسلامی دانشجویی؛
- ۳- جامعه اسلامی دانشجویان؛
- ۴- بسیج دانشجویی.

انجمن‌های اسلامی دانشجویان این انجمن‌ها را در هدفهای هفتاد، دو تحول داشتند:

- ۱- نزدیک شدن به جریان روشنگری دینی و گیری جدی تر مباحث نظری در این قلمرو؛
- ۲- تبدیل شدن به بخش از حجاج اقلیت سایر

نتایج انتخابات دوره پنجم مجلس شورای اسلامی در این شهرستان متفاوت از نتایج انتخابات دوره پنجم مجلس شورای اسلامی است. در این انتخابات، حزب اسلامی ایران که در دوره پنجم مجلس شورای اسلامی بزرگترین حزب بود، در این دوره کمترین رأی‌گیری کرد و تنها تیپ ایده‌آل خود برای انسان را به عنوان سنتها معرفی کرد. همچنان که در انتخابات دوره پنجم مجلس شورای اسلامی، این حزب اسلامی ایران بزرگترین حزب بود، اما در این دوره کمترین رأی‌گیری کرد. همچنان که در انتخابات دوره پنجم مجلس شورای اسلامی، این حزب اسلامی ایران بزرگترین حزب بود، اما در این دوره کمترین رأی‌گیری کرد.

مجله اکتفیت می‌شوند قرار را که در قالب  
نام جناح اکتفیت می‌گیرند. شکل‌های فوق جای نمی‌گرفتند بد دوسته اصلی  
برفته‌اند. البته دفاع انجمن‌ها از حقوق فردی و آزادی بیان نه  
نمی‌دانند بلکه برای جناح خودشان پیرو و  
ای تسامی احادیج اینجا می‌گذارند. ۱- بخش زیادی از دانشجویان که اصطلاحاً خنثی،  
تلقی می‌کنند.

بسی طوف و درس خوان نامیده می شوند، نه در سیاست های موجود مشارکت دارند و به احسان مشارکت می کنند. نگرش های این گروه در بخوبی مسائل اقتصادی مبتنی بر اصل همه یا هیچ و رفتار آسان سکوت باقی آشیکانه است.

حدادیه اینچ سی اسلامی دانشجویان دفتر سخنی خود را به عنوان ستاد رهبری جنبش انشعابی تلقی کرده و می‌کنند. آن‌ها و سازمان‌های مختلف آن‌ها نظری سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی،  
گروهی اسلامی دانشجویان اسلامی و اسلامیه اسلامی دانشجویان اسلامی

نیزهایی تازه کار و هودا را افادی را که به طور  
انداموار با محاکم روشنگری لاثیک و گاه دینی  
ارتباط داشته‌اند در بین می‌گیرد. پیش‌تر در خویش فرو  
رفتند. این گروه چشم به رهایی داشته ولی از  
نیک‌گرایی خویاند تا امکان انحصار فراهم شود.  
تحجیر می‌خواهد تا امکان انحصار فراهم شود.  
در مجموع انجمن‌های مذکور به علت خارج شدن از  
ماکیت به بازاری خود می‌پردازند، هرچند که این

زیارت نیز بیزار بوده‌اند. در میان این گروه گرایش شجاعی مبنی نمی‌شود. جامعه اسلامی دانشجویان پس از سال ۶۷ که تخلیق حنجرها تبدیل شد ساری، از جنابها و افاده

سپهیان کد سیاست‌گریز است بیش ترین توجه را به خود بر می‌انگذارد. در کنار این ادبیات سیاست‌گریز، در دهد نشست ادبیات سیاسی ضد توتالیتی نیز در میان این گروه امداد و نهادهای اسلامی ایجاد شده است.

کروه از دانشجویان رواج و نشرس می‌پاید. جوانان سیاسی روی کرد و به رمان و ادبیات آمال و ارزوهای خود را در آثار میلان کوندو، اشپیر، جورج اورول و گائینولدامی‌پایند. این گروه پتانسیل فکری هارین دهد هنر حمود را در استانه سب قدرت دیدند بدایجاد جامعه اسلامی دانشجویان به عنوان خود ره و باستد دانشجویی خویش اقدام می‌کنند. از آغاز وزنامه رسالت، وزنامه این جناح مبلغ چنین

سیاسی شدن را دارا شستند ولی نه در قالب جریان اسلامی، حتی اگر شکل نقادی با اپوزیسیون داشته باشد. البته مجدد مجیدی به خاطر تعلق خاطری که به دانشگاه ایران از دانشگاه تهران برگردانده بود و خود آن گروه نیز به صراحت اعلام می‌کرد

اتجاهی اسلامی دانشجویان دارد نمی تواند بدینه جنبش دانشجویی را به طور همه جانبه ارزشیابی نماید. بنابراین، تحلیل نادرستی از دوم خرد ارایه می کند. ماقبل تباری است که این نظریه از اینجا پنهان شود.

واعظ این است که در یه سخت دهه ۷۰ با  
گشتن کمی دانشجویان تغیراتی در رفتارهای  
سیاسی دانشجویان پدید می آید که در نهایت در دوم  
خرداد به تحولی کیفی بدل می گردد. در اینجا م به  
نستجویان بدهد و دسوار چشیده باز  
برت مندان کشور شکل گرفت. جواد لاریجانی در  
مع این گروه در مورد نوع فعالیت سیاسی آنان  
آن گوید «دانشجویان باید دانشگاه سیاسی باشند ولی

ذکر دو مورد خاص می پردازیم. در سال ۱۳۶۹ در داشگاه صنعتی شریف «دفتر طالعات فرهنگی» تشكیل شد. این تشکیل توسط خود داشتچیان و به صورت مستقل از اداره می شد و به مباحث نظری توجه خاصی داشت. با وجود گذشت ۱۰ سال این تشکیل همچنان بایدار است و در طول این سالها جلسات بحث فرهنگی، اجتماعی و سیاسی را به روز هفتگی اجرا می نمود. این دفتر مجوز انتشار تشریفات رسمی اخراج نمود. این تشکیل بسیار متأثر از ایدئوگرایی اسلامی بود و در نظام بین‌المللی معرفت نظام را تأسیس، رهبری نظام و خط رهبری را بشناسد، تولی و ای را بر اساس محور ولایت تنظیم کند و کار خود را اسر حکومت مشخص کند». (رسالت ش.

آنجه در فضول دوم و سوم این گفتارها در باره

تئیم قدرت میان نهادهای مرکزی و محلی قدرت  
گفته شد، به ویژه در مورد قوه مجرمه نیز صادق است.

در اغلب کشورهای دارای نظام سایی دمکراتیک،  
بسیاری از شهروندان شاید اغلب آنها در سراسر

طول عمر خود هیچگاه، تاگیری نسی شوند به ادارات

دولتی در مزک توکر و یا حتی ایالات متحده کنند. اما

در کشور ما علیغم تورم دستگاه دولتی، این دستگاه  
آنچاک اکثر مردم بدان توانای دارد، پس از تدارد و از

شهرومند می طبلد که ضرورت سافرت های طولانی

را برای انجام بسیاری از کارهای اداری پذیرند. قوه

مجريه در ایران آسیدند باشد بگوئند دیگر

سازماندهی شود، نهادهای منتخب مردم در روسایه و

شہرها باید مسئولان اجرایی محلی را به طور مستقیم

یا غیر مستقیم (از طبق اختیاب شهروندان) برگزینند

که حتی شرکت اسلامی امور اداری مربوط به مردم و

امور محل از سوی آنان انجام پذیرد.

تا آنجا که به نهادهای مرکزی قوه مجرمه در پیوط

است، هیچیزی های جهان یا در کنار مقام ریاست

جمهوری، نخست وزیر هم دارند (مانند ایران از سال

۱۲۵۹ تا ۱۳۶۸) و یا رئیس جمهور، عهده دار

ریاست جیات و زیران نیز است (مانند ایران از سال

۱۳۶۸ بین سو). در میان کشورهایی که هم رئیس

جمهور و هم نخست وزیر دارند، برخی روسای

جمهوری تها مقام شریفانی دارند (مانند آلان و

ایتالی) و برخی دیگر از اختیارات اجرایی نیز

برخودارند (مانند فرانس).

پیشینی یک مقام شریفانی فاقد اختیارات

اجرایی، مقامی که «ظاهر وحدت ملی» باشد و کشور

را در رابطه با جهان خارج نمایندگی کند، در ایران نیز

اسایه داشته باشد. در امریکا از طبق پوکاری مستقیم

کشور، منتخب مردم نیست، امری که می تواند

بر میان مقیولیت نظام سایس و مشارکت مردم، تأثیر

منفی داشته باشد. در این انتخابات پیشینی کرد بود

انتخابات ریاست جمهوری و کنگره، در بسیاری از

دوره های موقعيت محدود نیست، اما میان دو قوه مقننه

مشروطیت، عهده دار مقام پادشاهی شدن، تهیک

نفر (احدهاده)، کایاکش در چارچوب قانون اساسی

مشروطه باقی ماند و سلطنت کرد نه حکومت. از این

تاریخ پادشاهانی است که با سوگند یادگاری میگذرد

ساقیه دارد. قانون اساسی مشروطه پیشینی کرد که بود

که پس از مظفر الدین شاه، امضا کنند، فرمان

مشروطیت، عهده دار مقام پادشاهی شدن، تهیک

نفر (احدهاده)، کایاکش در چارچوب قانون اساسی

مشروطه باقی ماند و سلطنت کرد نه حکومت. از این

قدرت مشکر را بر مقام شریفانی خود افزوده اند. به

نظر مردم مقامات ای از طبق وحدت ملی» در این

کشورها خلی خود را بد جمله معروف بلوی از چهاردهم

سالهای پیش از خود کردند.

همزمان برگزار کردن انتخابات ریاست جمهوری و

پارلمان (امری که در امریکا در سو مردم نیست) از چین

نمایندگان و یک سوم سنا صادق است، از چین

احسالی کاست.

از نظر نگارنده، کند آثار مثبت انتخاب قناعت

رئیس جمهور از سوی مردم از کنده ویسکهای آن

کنند، اما بعداً یا تغیر قانون اساسی یا باقضی آن،

قدرت مشکر را بر مقام شریفانی خود افزوده اند. به

نظر مردم مقامات ای از طبق وحدت ملی» در این

کشورها پادشاهانی است که با سوگند یادگاری میگذرد

که بود که دوست که دوست نیز خود کردند.

کشورها پادشاهی ای از طبق وحدت ملی» در این

عنهان سوام و چند ملکه ای از طبق وحدت ملی» در این

اگر این امر ای از طبق وحدت ملی» در این

مشکل های ای از طبق وحدت ملی» در این

مشکل های ای از طبق وحدت ملی» در این

مشکل های ای از طبق وحدت ملی» در این

مشکل های ای از طبق وحدت ملی» در این

مشکل های ای از طبق وحدت ملی» در این

مشکل های ای از طبق وحدت ملی» در این

مشکل های ای از طبق وحدت ملی» در این

مشکل های ای از طبق وحدت ملی» در این

مشکل های ای از طبق وحدت ملی» در این

مشکل های ای از طبق وحدت ملی» در این

مشکل های ای از طبق وحدت ملی» در این

مشکل های ای از طبق وحدت ملی» در این

مشکل های ای از طبق وحدت ملی» در این

مشکل های ای از طبق وحدت ملی» در این

مشکل های ای از طبق وحدت ملی» در این

مشکل های ای از طبق وحدت ملی» در این

مشکل های ای از طبق وحدت ملی» در این

مشکل های ای از طبق وحدت ملی» در این

مشکل های ای از طبق وحدت ملی» در این

مشکل های ای از طبق وحدت ملی» در این

مشکل های ای از طبق وحدت ملی» در این

مشکل های ای از طبق وحدت ملی» در این

مشکل های ای از طبق وحدت ملی» در این

مشکل های ای از طبق وحدت ملی» در این

مشکل های ای از طبق وحدت ملی» در این

مشکل های ای از طبق وحدت ملی» در این

مشکل های ای از طبق وحدت ملی» در این

مشکل های ای از طبق وحدت ملی» در این

مشکل های ای از طبق وحدت ملی» در این

مشکل های ای از طبق وحدت ملی» در این

مشکل های ای از طبق وحدت ملی» در این

مشکل های ای از طبق وحدت ملی» در این

مشکل های ای از طبق وحدت ملی» در این

مشکل های ای از طبق وحدت ملی» در این

مشکل های ای از طبق وحدت ملی» در این

مشکل های ای از طبق وحدت ملی» در این

مشکل های ای از طبق وحدت ملی» در این

مشکل های ای از طبق وحدت ملی» در این

مشکل های ای از طبق وحدت ملی» در این

مشکل های ای از طبق وحدت ملی» در این

مشکل های ای از طبق وحدت ملی» در این

مشکل های ای از طبق وحدت ملی» در این

مشکل های ای از طبق وحدت ملی» در این

مشکل های ای از طبق وحدت ملی» در این

مشکل های ای از طبق وحدت ملی» در این

مشکل های ای از طبق وحدت ملی» در این

مشکل های ای از طبق وحدت ملی» در این

مشکل های ای از طبق وحدت ملی» در این

مشکل های ای از طبق وحدت ملی» در این

مشکل های ای از طبق وحدت ملی» در این

مشکل های ای از طبق وحدت ملی» در این

مشکل های ای از طبق وحدت ملی» در این

مشکل های ای از طبق وحدت ملی» در این

مشکل های ای از طبق وحدت ملی» در این

مشکل های ای از طبق وحدت ملی» در این

مشکل های ای از طبق وحدت ملی» در این

مشکل های ای از طبق وحدت ملی» در این

مشکل های ای از طبق وحدت ملی» در این

مشکل های ای از طبق وحدت ملی» در این

مشکل های ای از طبق وحدت ملی» در این

مشکل های ای از طبق وحدت ملی» در این

مشکل های ای از طبق وحدت ملی» در این

مشکل های ای از طبق وحدت ملی» در این

مشکل های ای از طبق وحدت ملی» در این

مشکل های ای از طبق وحدت ملی» در این

مشکل های ای از طبق وحدت ملی» در این

مشکل های ای از طبق وحدت ملی» در این

مشکل های ای از طبق وحدت ملی» در این

مشکل های ای از طبق وحدت ملی» در این

مشکل های ای از طبق وحدت ملی» در این

مشکل های ای از طبق وحدت ملی» در این

مشکل های ای از طبق وحدت ملی» در این

مشکل های ای از طبق وحدت ملی» در این

مشکل های ای از طبق وحدت ملی» در این



زبین بردن قدرت  
مانور سیاسی  
حتیالی عراق و یا  
کشورهایی نظیر  
فرانسه، روسیه و  
چین یا بد هرچه  
زودتر جنگ را تام  
کنند. به عقیده  
کارشناسان جنگ  
هوایی ۲ هفته و نبرد  
زمینی ۵ هفتگه به طول  
خواهد انجامید و اگر  
ین نبرد در فوریه  
جاری (بهمن) آغاز  
شود در اواسط  
رور دین ۸۲  
آوریل) به پایان  
خواهد رسید.

نیروهای زمینی  
آمریکا حداقل ۱۵  
شکر و نیروی  
هوایی این کشور نیز

راهد بود.

میں خلیج فارس  
۱۱ مرداد (۱۳۶۹)  
هرگاه متحده این خود  
از نیرو پس انستال

۱۳۶۹ (۱۳۶۹) دیماه تا ۱۳۶۸ (۱۳۶۸) هواپیماهای  
سیاست و نیروهای آنها این به شدت

مدت ۱۰۰ ساعت  
ر نیز زمینی ۷۰۰  
ز دور زدن نیروهای  
ب عراق شده و تا

کشته برای عراق، از  
۳۰۰ توب، ۱۱۰۰  
سات زیربنایی این  
۱۰۰ روزه حدود ۴۲

ین هزینه شد که ای آمریکا، آسان، سارات انجام شد. میلیون تن بیم بر دد. چنگ مذکور که کارشناسان نظامی اسای خود از نقش ند.

1



روحیه بالا به استقبال ارتش اول دنیا خواهد رفت. مشکل دیگر صدام در بیوه‌گیری از فاعلهای خودجوش مردمی خواهد بود چرا که ین مردم به همان اندازه که از نیروهای مهاجمی ترسند از حزب بعثت مستفرند. از طرفی جنبشی شیعه جنوب عراق به همراه کردهای شمال عراق اختلال تا حدود زیادی با نیروهای امریکایی هماهنگ خواهد بود و اگرچه از نظر نظامی توانایی‌های قابل توجهی ندارند اما نفس قرارگرفتن آنها در یک صفحه با جنگجویان امریکایی بر روحیه مدافعن عراقی اثرگذار خواهد بود.

آنچه از عوامل ایجاد کننده نداشت؟  
اگرچه نیروهای امریکایی به سلاحهای  
مذکوری مجهز خواهند بود اما این سلاحها  
می‌توانند تلفات را در نیروهای  
امericایی افزایش دهند سرعت حرکت این  
نیروها را تا ۴۰ درصد کاهش می‌دهند. باید دید  
که این سلاحها را خواهد  
آوردند.

مساله بعدی جنگهای شهری است. ارتشد  
مریکا می‌تواند بدون درگیری از کنار شهرهای  
براق پیگذرد و آنها را به حال خود رها کند اما  
هستا پایید وارد بغداد شود. بغداد شهر بزرگی  
است که اگر تنها ۳۰ هزار سرباز گارد که  
می‌توانند از جنگجویان هم قیلدهای صدام باشند  
نه خوبی از آن محافظت کنند نیروهای  
مریکایی برای تصرف کامل آن به هفتدها وقت  
باز خواهند داشت.

نماده از جنگ افرارهای سخین،  
که تیراندازان، کماندوها و کمپرسیازان  
سلطان میدان خواهند بود.  
در این مرحله سربازان طرف آمریکا،  
سربازان گرسنه و بی انگیزه نخواهند بود بلکه  
رداهای طلایی، تکریتی ها، گارد ریاست  
جمهوری، یگانهای حفاظت صدام و نیروهای  
بیرونیه شرکت خواهند داشت. یه گفته کارشناسان  
بن افراد آماده‌اند تاکثیف ترین و  
در رحمانه‌ترین دستورات را از سوی صدام به  
جرا بگذارند. اگرچه شاید این آخرین پرده

ساییش دیکتاتور بغداد باشد اما بی‌شک  
توینین ترین آن خواهد بود مگر آنکه صدام قبل  
از ورود به این فاز کشته و یا ریوهد شود.

اولین جنگ کلاسیک قرن بیست و یکم چکونه آغاز می‌شود

اداوه از حسنه

عملیات آمریکاییها در این بخش به مانند یک پارزی خواهد بود. هوایپامانع لیدر ابتدا بر روی انسان شهرهایی چون بغداد و بصره خواهند رفت و پس از به صدا درآمدن پادفدها آنها را شناسایی کرده و توسط لیزر آنها را به صورت مجازی، علامتگذاری، مس-کنند و هنگام حمله اک این کشور انجام خواهد شد. آمریکا هنوز نکها و تپههای سنگین خود را به منطقه منتقل کرده و این اقدام را زمانی انجام خواهد داد که آن بروز جنگ قطعی خواهد بود، چراکه نقل و انتقال ادوات سنگین زرهی سخت ترین کار در شش لحظه نظام است.

پسایگاههای عسده آمریکا در منطقه در  
شورهای ترکیه، کویت، قطر، عربستان، عمان و  
جزیرین است و نیروهای پراکنده آمریکا قرار  
ست از این پایگاه سازماندهی شوند. از جمله  
جهیزات بسیار پیشرفتهای که آمریکا اخیراً به  
طبقه اعزام کرده ناو هواپیمابر یواس این  
ی تروفون است. این ناو بسیار مدرن که تنها ۴  
سال از عمر آن می‌گذرد (برخی ناوهای  
ای پیمای آمریکا مانند کاستلیشن بیش از ۴  
ساله قدمت دارند) حامل ۸۰ هواپیاسی شکاری

باتفاقن اف ۱۴، اف ۱۸ و ای ۶ است. ایس و عظیم اتمی ۵۰۰ تونکنگار را به همراه دارد. همچنین بنا به اطلاعات رسیده، پایگاههای سلی امریکایی عملیات انتقال نیرو و به خلیج رس را آغاز کرده‌اند. هواپیماهای اف ۱۵ از پایگاههای لانگلی و جانسون، بسیافکن‌های نیکنین بی ۱ از پایگاه الزورث و هلی کوپترها و اپیساهای سی ۱۳ از پایگاههای نیز و دی کار انتقال نیروها را آغاز کرده‌اند. بسیافکن‌های اف ۱۵ قادر به انجام عملیات ایمانه و از بین بردن هواپیماهای دشمن هستند و همراه اف ۱۸ها سوتون قدرات نیروی هوایی اریکا را تشکیل می‌دهند. اف ۱۸ نیز جنگنده باتفاقن امریکایی است که بیشترین حوزه

ارش یک میلیون نفری صدام حسین از تغیر موقع آرایش نظامی آمریکایی خبر ماند و موفق نشد خود را با شرایط وقق دهد. از طرف افسران ارشد عراقی از بدی اوضاع در مناطق دوردست بی اطلاع بودند مثلاً بر روی دهها لشکر در جنوب عراق حساب می کردند و بعدها متوجه شدند که بسیاری از آن لشکرها

بایلیت ان دریاها و نواحی هواپیما بر است. اف ۱ نیز علیرغم آنکه ۳ دهه از ورودش به نیروی سایی آمریکایی کسی گذرد هنوز بهترین اپیمای رهگیر و دارای سیستم موشکی ق القعاده است.

هر ناو هواپیما بر آمریکایی قادر است بد هایابی نقش ۲ تا ۳ پایگاه هوابی را بازی کند

اگه به کمک پرتاب کننده‌های هوایپیاس خود در است ۷۰ تا ۸۰ هوایپیاسی بر روی عرشه رود راین ۳ تا ۵ دقیقه بر روی هوا بفرستد و نون هوایپیاسا به دلیل سرعت بیش از ۲ م (بیش ۲ هزار کیلومتر در ساعت) قادرند را در کمتر از ۴ دقیقه خود را به قلب عراق برسانند. ناواهای هوایپیاس همچنین از صدھا موشك ماهاوک و کروز برخوردارند که قادرند از پیچ فارس غداد را مورد حمله قرار دهند.

افغانستان هیچ هدف با ارزش را پیدا نمی کردد و بدون استفاده از سبیله به پایگاهها باز می گشتد اما عراق دارای دهها هدف چندصد میلیون دلاری است. می توان گفت این حرکت آمریکا بدترین ضربه به هر کشوری است چرا که با محو حاصل تلاش ۴۰ دهه یک کشور به ناگهان آن را به قرون گذشته پرتاب می کند. ناگهان سطح رفاه یک جنگ چیزی نداشت اما شود؟ مهمترین اقدام آمریکا برای آغاز جنگ جاد فضای امن و آسمان بدون دشمن است. برای جنگگاهی اخیر به آمریکا ثابت کرد که اگر بیف از نظر نیروی هوایی کاملا در هشکسته و در مرحله بعد از پدافند پرقدرت نصیب گردد آنگاه حتی اگر شوال باشد، آن

کشور به اندازه‌ای نزول پیدا می‌کند که مردم آن نمی‌توانند در شرایط عادی حتی فکر آن را بکنند. تصور کنید ۲۲ ساعت خاموشی شبانه روز، نبود بزرگ، گازوئیل، گاز و نفت و یا قطع کامل ارتباطات تلفنی! اگر بدینسانه قضاؤت کینم باید بگوییم برخی از این اقدامات نه با هدف نظامی بلکه با هدف ایجاد کار برای شرکتهای عظیم چندملیتی است که با پول همان کشور به بازارسازی آن خواهند نهاد. نهایتاً خواهد بود که بی‌هدف دستهای خود تکان خواهد داد.

پرداخت. ارشت متملاشی شده بازسازی می‌شود، خاک اشغال شده آزاد می‌شود، شرایط عادی می‌شود اما هیچگاه زیراختهای نابود شده در کمتر از یک دهه بازسازی نمی‌شود. درین اهداف فوق تها پلها و جاده‌ها هدف نظامی محسوب می‌شوند. زدن پلها و جاده‌ها سبب می‌شود ارتباط زمینی واحدها با عقبه قطع شود و از لحیستک بی‌بهره شوند. از یاد نبریم که در این جنگ ارشت سوره تهاجم قرار گرفته از تراپیری هواپیمی نمی‌تواند صدام همچون جنگ پیشین سعی خواهد کرد گندلهای خود را در آشیانه‌های پنهان پنهان داد تا شاید زمانی بتواند آن استفاده کند. در جنگ خلیج فارس (۱۹۹۱) رهگیری پریکا و متخدان آن به اندازه‌ای سریع بود که پیامی عراقی به پرواز در آمدۀ نمی‌توانست پاییگاه خود بازگردد، به ناچار یا هوایپما را می‌کرد و یا آنکه سراسیمه خود را بد رده‌گاههای غربی ایران می‌رساند. شبکه‌های گستردۀ پدافندی عراق هدف

ای امریکایی‌ها است. هنوز صدام حسین از دهه هزار توب پدافتندی و شبکه در هشم تنیده شکنی‌های سام برخوردار است و در چند روز این شبکه با قدرت فعالیت خواهد کرد. اما اسالی و انهدام آن توسط موشکی‌ای کروز، ۱۱۷ ها<sup>۱</sup> که نامرئی هستند و توان عملیات در ب را دارند، اف ۱۵ ها و بمبارانهای از ارتفاع ۵۲ متر بالا توسط بی ۱ و بی ۵۲ انجام شد.

